

داستان خط فارسی و روایت‌های پست‌مدرنیستی

حسین قربانپور آرانی

استادیار گروه زبان و ادبیات فارسی دانشگاه کاشان
ghorbanpoorarani@yahoo.com

مقدمه

با خواندن یک اثر، فارغ از قدرت نویسنده در نوشتن و تصویرسازی و تکنیک‌های نوشتن، گاهی خواننده متوجه می‌شود که انتخاب خط و اتصال‌ها و انفصال‌های بیجا و افراط و تفریط در این موضوع تا چه اندازه می‌تواند آزاردهنده و حتی مخلل‌التذاذ از یک نوشته باشد. این احساس هنگام خواندن روایتی به نام «جانستان، کابلستان» از آقای رضا امیرخانی به بنده دست داد و معلمی چون من که سال‌هاست شیوه‌آملای فارسی را در دانشگاه به متعلمان می‌آموزم و قاعدتاً چشمم بیش از افراد عادی نسبت به این موضوع حساس است و نسبت به خط فارسی و درست‌نویسی خط فارسی احساس وظیفه می‌کنم، هنگام خواندن این روایت که ظاهراً به خط فارسی است، از شیوه‌خط نویسنده و حتی به گفته‌خود نویسنده، عمد و اصرار ایشان در غلط‌نویسی و آشفته‌سازی خط فارسی آزارها دیدم، چنان‌که سرانجام خواندن اثر را نیمه‌تمام رها کردم و مشغول نوشتن مقاله حاضر شدم.

۱. تاریخچهٔ تدوین قواعد خط فارسی

از آغاز تشکیل فرهنگستان زبان و ادب فارسی در ۱۳۱۴ش (فرشیدورد ۱۳۸۰: ۳۶۵) همواره یکی از دغدغه‌های اصلی صاحب‌نظران خط و زبان فارسی، برطرف کردن نقیصه‌های خط فارسی و یکسان‌سازی گونه‌های مختلف نوشتاری در خط فارسی بوده است و این مسأله یکسان‌سازی خط و

درست‌نویسی یکی از مسائلی بحث‌برانگیز در طول صد سال اخیر بوده است. حال اینکه همهٔ این تلاش‌های فردی و جمعی تا چه حد توانسته از تشتت در خط فارسی و گرایش‌های افراطی بکاهد، سؤال دیگری است که در ادامهٔ بحث به برخی جنبه‌های آن خواهیم پرداخت.

یکی از اولین کوشش‌ها در تدوین اصول و قواعد خط فارسی املائی فارسی از احمد بهمنیار است که در مقدمهٔ لغت‌نامهٔ دهخدا به چاپ رسیده است (بهمنیار ۱۳۷۰: ۵۰). رسم‌الخط پیشنهادی استاد بهمنیار، اساس رسم‌الخط‌های بعدی قرار گرفت، هرچند یکی دو اشکال عمده در آن وجود دارد: یکی از اشکالات آن است که مؤلف بدون توجه به اصول آواشناسی، می‌پندارد که در فارسی همزهٔ وسط نیست و آنچه در کلماتی مثل پائیز و روئین و روئیدن و... دیده می‌شود، «یا»ست، نه همزه، در حالی که در این موارد، مطابق قوانین آواشناسی، صوت پس از «ا» و «او»، «یا» نیست؛ بلکه صوتی است نزدیک به همزه که می‌توان آن را دگرصدایی (allophone) از همزه دانست و آن را شبه همزه یا همزهٔ ملین نامید. این گونه همزه حتی در کلمات عربی هم که در اصل «یا» بوده است، مثل تزئین و نهایی در فارسی به همزهٔ ملین و به تزئین نهایی تبدیل شده است (فرشیدورد ۱۳۷۵، ص ۲؛ نیز نک: نیساری ۱۳۷۴: ۸۲).

مورد دیگر حروف خاص عربی در کلمات فارسی و غیرعربی و فرنگی است که بهمنیار معتقد است تمام کلمات فارسی را که با حروف عربی (ط، ص، ض، ث و ق) نوشته می‌شوند باید به حروف فارسی تبدیل کرد، مثل اصفهان ← اسفهان، بسطام ← بستام، صد ← سدا، طهماسب ← تهماسب، شطرنج ← شترنج، طپیدن ← تپیدن، طشت ← تشت، مغناطیس ← مغناتیس).

در این موارد هم برخلاف نظر بهمنیار، باید در نظر داشت که تبدیل همهٔ کلمات فارسی و غیرعربی که با حروف خاص عربی نوشته می‌شود به حروف فارسی، خلاف عادت خطی است و مناسب نیست؛ علی‌ای حال، در برخی از این گونه کلمات، حروف عربی به تدریج تبدیل به حروف فارسی شده (مثل تهران و اتریش و تپانچه) و برخی نیز به شکل اصلی خود مانده که تغییر در آن روا نیست (فرشیدورد ۱۳۷۵: ۱۴).

از کوشش‌های منطقی دیگر (فردی و جمعی) در تدوین

برخی از آن‌ها در رسم خط فرهنگستان هم لحاظ شده مثل: قاعده اتصال در کلمات مرکب و پیشوندی و موارد استثنای آن (ص ۹) و قاعده نوشتن همزه‌ها و دیگر قواعد صرفی عربی در فارسی (ص ۵)، نیز چگونگی نوشتن همزه‌های فرنگی در فارسی و موارد بسیار دیگر و این قاعده کلی و مهم که خط و زبان، عادت است و تغییر در عادت خطی باید به حداقل تقلیل یابد (فرشیدورد ۱۳۷۵: ۱)؛ و نیز این اصل دستوری که در خط فارسی چند گونه نوشتاری هست و هیچ‌کدام غلط نیست و بسیاری از گونه‌های نوشتاری در فارسی را می‌توان به دو یا سه و گاهی چهار گونه نوشت و هر چند شکل هم درست است. در مواردی از قواعد خط فارسی مثل انفصال و اتصال یا املائی حروف خاص عربی در فارسی هم که تغییر و تعدیل صورت گرفته، فرشیدورد به این نکته توجه کرده که بر اثر تغییر عادت خطی در برخی موارد که در گذشته قاعده اتصال حاکم بوده مثل «ب» حرف اضافه و «می» استمرار، امروزه قاعده انفصال حاکم است یا در نوشتن برخی کلمات غیرعربی که در خط فارسی با حروف خاص عربی نوشته می‌شده‌اند؛ مثل تهران، اتریش، باتری، امروزه نوشتن با حروف فارسی غلبه دارد. تنها مسأله‌ای که فرشیدورد بدان توجه نکرده و شاید اصرار در این مورد باعث مهجور ماندن برخی نظریات صائب وی نیز شده، این مسأله است که به هر حال از چهل پنجاه سال پیش، برخی صاحب‌نظران تلاش کرده‌اند خط فارسی را یکدست کنند. هر چند این یکسان‌سازی‌ها گاه برخلاف قواعد دستوری و زبان‌شناسی روی داده است، مانند اصرار بر جدانویسی در برخی کلمات مرکب و پیشوندی؛ ولی به هر حال، این مسأله با توجه به نیازهای امروزی خط فارسی باید صورت گیرد. اما در یکسان‌سازی خط فارسی، باید به قواعد دستوری درست و مسائل زبان‌شناسی و گونه‌های نوشتاری تاریخی فارسی توجه شود و اساساً در تدوین خط فارسی، باید دو مسأله لحاظ گردد:

۱. تدوین املائی تاریخی با توجه به همه گونه‌های نوشتاری در نسخه‌های خطی فارسی و استخراج قواعد املائی فارسی بر اساس روش آماری.

۲. تدوین املائی معاصر بر اساس قواعد دستوری و زبان‌شناسی درست نکته مهم در تدوین خط فارسی این است که املائی تاریخی را نباید با املائی معاصر مخلوط کرد. مثلاً در

اصول خط فارسی، می‌توان از سلسله مقالات مصطفی مقربی (نک: ادامه) و کتاب‌های دستور خط فارسی سلیم نیساری و کتاب املائی فارسی فرشیدورد و کتاب آیین نگارش احمد سمیعی و دستور خط فرهنگستان یاد کرد که هر چند در هر کدام اشکالاتی جزئی هست، در تاریخ تدوین اصول خط فارسی تلاش‌هایی منطقی و قابل استناد و ارزشمند هستند.

از اولین این کوشش‌ها در تدوین قواعد خط فارسی و یکسان‌سازی آن، تلاش‌های پرویز ناتل خانلری و مصطفی مقربی است؛ مقربی در سلسله مقالاتی که با عنوان «شیوه خط فارسی» در مجله سخن و سپس در کتاب هژده گفته به چاپ رسانده، شیوه‌نامه خط فارسی را در دو بخش رسم الخط فارسی و املائی کلمات عربی در فارسی تدوین و سعی کرده بر اساس روشی علمی شیوه‌ای برای یکسان‌سازی خط فارسی پیشنهاد کند (مقربی ۱۳۳۹؛ همو ۱۳۷۵: ص ۱۹ به بعد).

یکی دیگر از نمونه‌های منطقی و علمی در تدوین اصول خط فارسی دستور خط فارسی از سلیم نیساری است. نیساری در این کتاب سعی کرده پیوستگی خط و زبان فارسی را نشان دهد و به همین جهت بر اساس قواعد دستوری در اغلب موارد در خط فارسی، احکام منطقی صادر کرده؛ هر چند در بسیاری از این موارد امروزه این احکام با سلیقه جامعه (یا کسانی که بر اساس نظر شخصی خود سلیقه جامعه را تغییر داده‌اند) منافات داشته باشد. از جمله این موارد نوشتن همزه وسط در کلماتی مثل آریائیان و روستائیان و ... است (ص ۸۲) همچنین اتصال پیشوند «ب» به کلمه بعد از خود که بر اساس اصل اقتصاد زبان، زحمت کمتر و نیز طبیعت زبان فارسی وجه غالب در املائی فارسی اتصال بوده است (ص ۲۱۸) و در مورد پیشوند «می» در افعال استمراری (ص ۲۲۴) و موارد دیگر.

از دیگر تلاش‌های ارزشمند در سامان‌دادن خط فارسی، آثار فرشیدورد (املائی فارسی و برخی نکته‌های املائی و نگارشی در خلال دیگر آثار وی) در زمینه خط فارسی است - که اگر پرده برخی افراط و تفریط‌ها از این تلاش‌ها کنار رود - ارزش واقعی آن بیشتر نمایان می‌شود، هر چند فرشیدورد نسبت به برخی اصول خط فارسی، مثل اتصال، اصرار بیش از حد، و گاهی تعصب، می‌ورزید؛ اما در کتاب املا، در پس برخی از این اصرارهای افراطی، نکته‌های علمی فراوانی ارائه شده که

تصحیح متون قدیم فارسی باید احتیاط کرد و باید به گونه‌های زبانی و نوشتاری و آوایی قدیم توجه کرد.

به‌هرحال، این مسأله عزم صاحب‌نظران خط فارسی و سازمان‌هایی چون فرهنگستان را می‌طلبد، مسأله‌ای که با تدوین دستور خط فارسی در فرهنگستان، هرچند صددرصد، ولی تا حدی، اتفاق افتاده است.

از دیگر کوشش‌های منطقی، رسم‌الخط پیشنهادی احمد سمیعی است، هرچند برخی اشکالات جزئی در آن هست. از جمله آنکه برخلاف اصول دستوری فارسی برخی کلمات مشتق و مرکب جدا نوشته شده، مانند پسوند «تر» و «ترین» در کلماتی مثل بیشتر و پیشتر و جدانویسی اجزای برخی کلمات مرکب، مثل کام جو، جان سوز، جهان گشا، دانش جو، دست رس و پیش‌گفتار و همچنین نوشتن «ی» به جای همزه در کلمات مختوم به های غیر ملفوظ در حالت اضافه مثل خانه‌ی من (سمیعی ۱۳۸۲: ۲۰۴ بعد).

آخرین تلاش جدی و شاید تنها تلاش جمعی در راه سامان دادن خط فارسی در یک‌صد سال اخیر، بلکه در طول تاریخ خط فارسی، دستور خط فرهنگستان است. تدوین کنندگان آن تلاش کرده‌اند در نگارش قواعد خط فارسی اصول زبان‌شناسی و قواعد آوایی و دستوری را - مثل اصل تطابق ملفوظ با مکتوب، حفظ استقلال خط، سهولت در نوشتن و خواندن - ملاک قرار دهند (دستور خط فرهنگستان، ص ۹-۱۰)؛ هرچند رسم‌الخط حاضر و قواعد مستخرج از آن بر اساس مطالعه تمام متون خطی و چاپی فارسی از قدیم‌ترین زمان تا عصر حاضر و استخراج قواعد خط بر اساس روش استقرایی و آماری صورت نگرفته - که این مهم باید و یکبار برای همیشه توسط فرهنگستان و با به‌کارگیری متخصصان خط و دستور و متون فارسی صورت گیرد - با این همه تارسیدن به رسم‌الخط مطلوب و علمی جامع، رسم‌الخط مذکور کامل‌ترین رسم‌الخط فارسی است و به نظر نگارنده می‌توان در چاپ کتب و نشریات سراسر کشور و برای جلوگیری از تشتت بیشتر در خط فارسی از آن بهره برد.

۲. غلطنویسی به نام تجدید

چنان‌که اشاره شد، سامان دادن خط فارسی کار یک نفر نیست؛ بلکه از وظایف سازمانی چون فرهنگستان است که با به‌کارگیری

متخصصان خط و دستور فارسی و زبان‌شناسی و بررسی مخطوطات فارسی براساس روش استقرایی، همه متون خطی فارسی را بررسی و براساس این یافته‌ها، اصول خط تاریخی و معاصر فارسی را تدوین کنند، ولی به‌هرشکل و گاهی به‌دلیل قصور فرهنگستان، در همه ادوار خود، در این زمینه افرادی خواسته‌اند یک‌تنه خط فارسی را سامان دهند که برخی از این تلاش‌ها علمی هم بوده است، ولی به‌علت تشتت آرا به جایی نرسیده و از این میان، کسانی نیز بوده‌اند که بدون مطالعه در تاریخ زبان فارسی و توجه به گونه‌های مختلف خط فارسی و مسائل زبان‌شناسی و حتی بدون تخصص در زمینه خط فارسی، کتاب شیوه‌املائی فارسی نوشته‌اند و گرایش‌های افراطی و نادرست و گاه ضد علمی خود را در قالب سامان دادن خط فارسی عرضه کرده‌اند و شاید ریشه آشفتگی‌ها و غلطنویسی‌های اخیر، حاصل این دست آثار است. نکته این‌که برخی از این افراد، علی‌رغم رواج دادن غلطنویسی در خط فارسی، از طرفداران تغییر خط فارسی به خط لاتین نیز بوده‌اند (فرشیدورد ۱۳۷۵: ۷۱). یکی از این دست کتاب‌ها، کتاب درآمدی بر چگونگی شیوه خط فارسی از میرشمس‌الدین ادیب‌سلطانی است. وی بدون توجه به اصول زبان‌شناسی و مسائل تاریخی خط فارسی و گونه‌های زبانی، و صرفاً براساس برخی اصول زبان‌شناسی، مثل مطابقت ملفوظ با مکتوب، معتقد است که هرچه را همان‌گونه که می‌خوانیم، می‌توانیم همان‌گونه هم بنویسیم؛ مثلاً می‌خوانیم مثلن یا حتمن باید به همین شکل بنویسیم و یا وقتی می‌خوانیم حتا و الاهی باید همین‌گونه بنویسیم (ادیب‌سلطانی ۱۳۷۱: ۶۴ و ۲۰۱)

در پاسخ این روش باید گفت که اصل مطابقت ملفوظ با مکتوب همیشه و حتی در هیچ زبانی قابل اجرا نیست؛ چنان‌که در فارسی می‌خوانیم «بیبا» و «بیباور»، ولی می‌نویسیم «بیا» و «بیاور»؛ همچنین «خویش و خیش و خواست و خاست» را به یک شکل تلفظ می‌کنیم. کلماتی که واو معدوله دارند، مثل «خواهر» و «خود» نیز واو به تلفظ در نمی‌آید. صرفاً توجه به اصل مطابقت ملفوظ با مکتوب، باعث از بین رفتن برخی گونه‌های زبانی و نیز خلط معنایی برخی کلمات خواهد شد (فرشیدورد ۱۳۷۵: ۳۱). البته در زبان‌های دیگر هم برخی نشانه‌های نوشتاری تلفظ نمی‌شوند؛ مثلاً در زبان انگلیسی کلمات

صیانت از خط و زبان فارسی هستند، هیچ نهاد یا تشکیلاتی به این گونه موارد نظارت نمی‌کند؟ با توجه به اینکه از ملزومات نویسندگی، درست‌نویسی و رعایت قواعد دستوری و زبانی و املائی است، رسم‌الخط این کتاب به اشاره نویسنده، سلیقه شخصی است، بدون توجه به معیارهای درست‌نویسی و همه تلاش‌های یک‌صدساله ایرانیان در سامان دادن خط فارسی. باری در رسم‌الخط این کتاب چندگونه اشکال اساسی به چشم می‌خورد:

الف. گونه‌های نوشتاری غیرعلمی و جدانویسی افراطی:

۱. جدانوشتن پیشوند یا کلمه‌ای که در حکم پیشوند است

از کلمه پایه:

هم‌سایه (← هم‌سایه)، هم‌راه (← همراه)، هم‌خوان (← همخوان)، هم‌سفر (← همسفر)، یک‌سان (← یکسان)، هم‌شهری (← همشهری)، هم‌سر (← همسر)، هم‌زمان (← همزمان)، هم‌وطن (← هموطن)، پیش‌نهاد (← پیشنهاد)، پیش‌خوان (← پیشخوان)، هم‌بازی (← همبازی)، هم‌پوشانی (← همپوشانی)

۲. جدانوشتن پسوند یا آنچه شبیه پسوند است از کلمه پایه:

کم‌تر (← کمتر)، دانش‌گاه (← دانشگاه)، دانش‌جو (← دانشجوی)، کنسول‌گری (← کنسولگری)، راه‌وار (← راهوار)، گوش‌وار (← گوشوار)، امام‌زاده (← امامزاده)، صنعت‌گر (← صنعتگر)، ایست‌گاه (← ایستگاه)، پاس‌گاه (← پاسگاه)، بیش‌تر (← بیشتر)، قاچاق‌چی (← قاچاقچی)، فرمان‌ده (← فرمانده)، فرمان‌دهی (← فرماندهی)، ماه‌واره (← ماهواره)، نمایش‌گاه (← نمایشگاه)، جواب‌گوی (← جوابگوی)، یخ‌دان (← یخدان)، تفنگ‌دار (← تفنگدار)، جان‌گشا (← جانگشا)، راه‌نمایی (← راهنمایی)

۳. جدانوشتن اجزای کلمه مرکب:

خوش‌حال (← خوشحال)، سخن‌رانی (← سخنرانی)، گم‌نام (← گمنام)، بده‌کار (بدهکار)، جوان‌مرد (← جوانمرد)، گم‌نامی (← گمنامی)، مهمان‌سرا (← مهمانسرا)، پیش‌فنگ (← پیشفنگ)، روشن‌فکرانه (← روشنفکرانه)، خون‌ریزی (← خونریزی)

توضیح: ۱. قاعده در نوشتن کلمات پیشوندی و پسوندی:

پیشوندها و پسوندها غالباً به کلمه پایه می‌چسبند، اعم از آنکه

بسیاری هست که شکل مکتوب آن با صورت ملفوظ متفاوت است، مثل knife, write, should, Right, could, wrong, psychology، و این مسأله خاص زبان فارسی نیست.

چنان‌که اشاره شد، همین گرایش‌های افراطی در خط فارسی به غلط‌نویسی به نام مدرنیسم منجر شده است؛ چنان‌که در آثار به اصطلاح پست‌مدرن، غلط‌نگارشی و غلط‌املائی و تشتت در خط فارسی، جزو افتخارات محسوب می‌شود، اتفاقی که با گسترش فضای مجازی در نوشته‌های فیس‌بوکی و یادداشت‌نویسی پيامک و... نیز افتاده و غلط‌نویسی به شوخی یا جدی رایج شده است، مانند غلط‌نوشتن عمدی کلماتی مثل عایا (آیا) یا عاقا (آقا) و نمونه‌های بی‌شمار دیگر و غلط‌های املائی و نگارشی دیگر که از پائین بودن سطح سواد ادبی عمده کاربران فضای مجازی ناشی می‌شود. بعید نیست این افراد حتی از شکل درست برخی این کلمات نیز بی‌اطلاع باشند.

۳. املائی فارسی به روایت پست مدرنیسم

چنان‌که پیش‌تر اشاره شد، انگیزه نوشتن این مقاله، مطالعه اتفاقی کتابی به نام جانستان، کابلستان روایت سفر به افغانستان، نوشته رضا میرخانی (نشر افق، تهران، ۱۳۹۱) است. کتابی که بارها به چاپ رسیده و لابد خوانندگان بسیار داشته است و از این جهت، می‌تواند از نظر ایجاد تشتت در املائی فارسی در ذهن خوانندگان عمدتاً ناآشنا به این گونه مسائل، تأثیر منفی بگذارد و حتی می‌تواند با توجه به نوع خوانندگان این گونه آثار، در غلط‌نویسی یا آشفتگی خط فارسی مدیا جذابی ایجاد کند. در صفحه آغازین کتاب، جمله عجیبی جلب توجه می‌کند: «اشاره: رسم‌الخط این کتاب، منطبق با دیدگاه مؤلف است.» چنان‌که ملاحظه می‌شود، نویسنده اذعان می‌کند که رسم‌الخط کتاب سلیقه‌ای است و در این مورد، سلیقه شخصی نویسنده است. پیش از پرداختن به موارد بعدی، دو سؤال اساسی در ذهن خواننده‌ای چون من مطرح می‌شود: ۱. آیا نویسنده حق دارد در خط فارسی اعمال نظر شخصی بنماید و غلط‌نویسی را رایج کند و بدین امر افتخار کند؟ ۲. آیا با وجود این همه تشکیلات نظارتی در کشور، مثل فرهنگستان زبان و ادب فارسی، وزارت ارشاد و فرهنگ اسلامی و شورای گسترش زبان فارسی و... که هر کدام به نوعی متولی چاپ کتاب و

صرفی یا اشتقاقی باشند، مگر آنکه اتصال موجب زشتی یا درازی کلمه و دشواری در نوشتن و خواندن باشد، مثل هممنزل (فرشیدورد ۱۳۷۵: ۹؛ نیز نک: نیساری ۱۳۷۴: ۲۱۵ بعد؛ دستور خط فرهنگستان، ص ۲۱ بعد).

۲. قاعده در نوشتن کلمات مرکب: اجزای کلمه مرکب غالباً متصل نوشته می‌شود، مثل بزرگداشت، نیکیخت و... و گاهی به جهت داشتن حروف پیوندناپذیر، جدا یا نزدیک به هم نوشته می‌شوند. مثل دانش آموز، کین توزی، دست پرورده و... (همان مآخذ؛ نیز: نیساری ۱۳۷۴: ۲۸۲ بعد).

ب. نظریه‌های افراطی و غیر علمی

۱. مطابقت ملفوظ با مکتوب:

حتا (← حتی)، مرتضا (← مرتضی)، الاهی (← الهی)، تعالا (← تعالی)

توضیح: چنان‌که پیش‌تر اشاره شد، اصل مطابقت ملفوظ با مکتوب گاهی قابل اجراست، ولی همه‌جانی نمی‌توان آن را به کار بست و در این موارد باید به عادت خطی توجه کرد. به‌ویژه در مورد کلمات عربی که الف مقصوره دارند (که در خط عربی به صورت «ی» نوشته می‌شود). در خط فارسی این «ی» گاهی به الف تبدیل شده، مثل اعلا، تقوا، قوا، هوا، مبنا، محتوا و عصا (این کلمات تا پنجاه سال پیش در خط فارسی عمدتاً با «ی» نوشته می‌شدند). این‌گونه الف‌ها را در اسم‌های خاص عربی مستعمل در فارسی به پیروی از اصل باید به شکل «ی» نوشت: مرتضی، عیسی، مصطفی، کبری، یحیی. همچنین است در کلماتی مثل الی، علی، حتی و تعالی که در فارسی فراوان به کار می‌روند. البته برخی اسم‌های عربی مثل اسماعیل، رحمان، اسحاق، ابراهیم و هارون که در اصل عربی با الف کوچک نوشته می‌شوند، مثل رحمن، اسمعیل و اسحق، امروزه معمولاً در فارسی طبق اصل مطابقت ملفوظ با مکتوب، همان‌طور که تلفظ می‌شوند نوشته می‌شوند (فرشیدورد ۱۳۷۵: ۱۷-۱۸).

۲. برای کلمات مختوم به‌های غیر ملفوظ در حالت مضاف از علامت «ء» استفاده می‌شود: قصه (← قصه)، همه (← همه)

توضیح: همان‌طور که قبلاً اشاره شد، کلمه‌ای که به‌های

غیر ملفوظ پایان می‌گیرد، هنگام اضافه شدن یا گرفتن صفت، یای ابتر که شبیه همزه است («ء» بالای «ه») قرار می‌گیرد: مثل خانه‌ما، بسته‌کاغذ و... و صورت‌هایی مثل خانه‌ی ما و بسته‌ی کاغذ، مناسب نیست و خلاف قواعد آوایی فارسی است (فرشیدورد ۱۳۷۵: ۱۱ و ۱۲، نیز نک: دستور خط فرهنگستان، ص ۱۸).

۳. نوشتن همزه عربی: همزه عربی در کلماتی مثل مسئول، حذف شده، بدین شکل ← مسوول.

توضیح: همزه ساکن یا متحرک وسط کلمه بنا بر عادت خط فارسی، روی کرسی «ی» نوشته می‌شود، مثل توطئه، مصائب، ائمه، وسائل، خائن، رؤس، مسئول. البته برخی این‌گونه همزه‌ها را برطبق قواعد کتابت همزه در زبان عربی، روی کرسی الف یا واو هم می‌نویسند که این موارد نیز جایز است، مانند: مسوول، رؤوف، شوون و جرئت، هیئت (همان: ۱۵)؛ اما حذف این‌گونه همزه‌ها، خلاف قواعد آوایی است و خللی در تلفظ این‌گونه کلمات ایجاد می‌کند.

ج. روش عجیب اختراعی نویسنده

علاوه بر موارد ذکر شده، نویسنده در نوشتن کلمات فارسی، روش عجیبی اختراع کرده که اگر این‌گونه روش‌ها با این‌گونه کتاب‌ها رواج یابد یا حتی اگر این‌گونه کتاب‌ها به از بین رفتن قبح این مسأله در خط فارسی کمک کند، بسیار مخرب و ویرانگر خواهد بود و همه تلاش‌هایی را که تاکنون در سامان دادن خط فارسی اتفاق افتاده بی‌ارزش می‌کند. نگرانی بنده وقتی بیشتر می‌شود که می‌بینم حتی برخی دانشجویان ادبیات فارسی از سرناگاهی یا تحت‌تأثیر چاپ همین‌گونه آثار، برخی از این گونه‌های افراطی و غیر علمی و مخرب را پیروی می‌کنند. به‌هر حال، این‌گونه نوشتن نه تنها خط فارسی را رو به نابودی و تشتت و آشفتگی می‌کشاند، بلکه به‌نوعی وهن تمام بزرگان و ادیبانی است که در این یک‌صد سال اخیر تلاش کرده‌اند خط فارسی را سامان دهند؛ از علی‌اکبر دهخدا و محمد قزوینی و عباس اقبال و احمد بهمنیار و محمد معین و محمد علی فروغی تا متخصصان خط فارسی در این پنجاه سال اخیر، کسانی چون مقربی و نیساری و فرشیدورد و سمیعی و سایر فضلای معاصر و تلاش‌های فرهنگستان.

توضیح این‌که آنچه پیش‌تر با عنوان جدا نوشتن پیشوند و

(← قیمتش)، منید (← منید)

توضیح: فعل‌های متصل (شناسه فعل) و همچنین ضمیرهای مفعولی و اضافی همیشه به عناصر پیش از خود می‌چسبند (فرشیدورد ۱۳۷۵: ۱۲؛ نیز: خانلری ۱۳۵: ۱/۳۱۰).

۴. نوشتن‌های غیرملفوظ در کلمات مختوم به «ان» نسبت و «ی» مصدری:

زنده‌گی (← زندگی)، راننده‌گی (← راندگی)، نوه‌گان (← نوگان)، ساده‌گی (← سادگی)، دوگانه‌گی (← دوگانگی)، همه‌گی (← همگی)

توضیح: کلمات مختوم به «ه» غیرملفوظ وقتی که «ان» نسبت و «ی» مصدری می‌گیرند،‌های غیرملفوظ حذف می‌شود و صامت میانجی «گ» اضافه می‌شوند:

بنده‌گان (← بندگان)، تشنه‌گان (← تشنگان)، آلوده‌گی (← آلودگی)، آشفته‌گی (← آشتگی)، تیره‌گی (← تیرگی) (فرشیدورد ۱۳۷۵: ۱۲).

شکل‌های املائی عجیب:

تله‌ویزیون (تلویزیون)، تیم‌چه (تیمچه)، مه‌تاب (مهتاب)، ام‌شب (امشب)، دی‌روز (دیروز)، یخ‌چال (یخچال)، پری‌شب (پریشب)، پای‌گاه (پایگاه)، بی‌هوده (بیهوده).

نتیجه: در پایان، ذکر این نکته لازم است که هدف این نوشته و طرح شدن کتاب یا نویسنده‌ای به معنی ارج نهادن به آن نویسنده یا کتاب خاص نیست؛ بلکه هدف نشان دادن تخریب و آشفته‌گی و تشتتی است که چاپ این‌گونه آثار می‌تواند در رسم‌الخط فارسی ایجاد کند و مسئله مهم‌تر، ترویج غلط‌نویسی و ریختن قبح این مسأله است که ممکن است در نظر خوانندگان این آثار، غلط‌نویسی را ترویج کند یا معمولی جلوه دهد.

بنابراین، پیشنهاد می‌شود دستگاه‌های صاحب صلاحیت، از جمله وزارت ارشاد که ناظر چاپ کتاب در کشور است و فرهنگستان زبان و ادب فارسی که متولی چنین اموری است و همچنین شورای گسترش زبان فارسی قبل از چاپ بر همه کتاب‌ها از دیدگاه رسم‌الخط درست و حتی المقدور رسم‌الخط مصوب فرهنگستان نظارت کنند.

پسوند از کلمه پایه ذکر شد، گونه‌هایی است که چنان‌که ذکر شد هر چند خلاف قواعد املائی و دستوری فارسی است در برخی کتاب‌های دستور خط هم شایع شده، اما گونه‌های زیر حتی در میان غلط‌نویسان هم بسیار نادر و در واقع من‌درآوردی است. این گونه‌های نوشتاری عجیب و البته غلط را می‌توان در چند شکل دسته‌بندی کرد:

۱- جدانوشتن افراطی و غیرعلمی پیشوند و پسوند:

بی‌کاری (← بیکاری)، بی‌گانه (← بیگانه)، پی‌وند (← پیوند)، بی‌کار (← بیکار)، به‌تر (← بهتر)، ترس‌ناک (← ترسناک)، نان‌وایی (← نانوائی)، دست‌گاه (← دستگاه)، مه‌تاب (← مهتاب)، پس‌وند (← پسوند)، پای‌گاه (← پایگاه)، یخ‌چال (← یخچال)، بی‌هوده (← بیهوده)

۲. جدانویسی پسوندها و پیشوندهایی که به کلمه جوش خورده و جزء کلمه شده‌اند: ام‌شب (← امشب)، دی‌شب (← دیشب)، دی‌روزی (← دیروزی)، ساخت‌مان (← ساختمان) **توضیح:** در فارسی باستان، پیشوندها و پسوندهای فراوانی وجود داشته که در فارسی میانه نابود شده و یا عمل آن‌ها در ساختن کلمه تازه، متروک مانده و تنها نشانی از آن‌ها در برخی کلمات برجاست. این گونه کلمات که در اصل از یک ریشه یا ماده و یک جزء پیشین و پسین ساخته شده‌اند، به صورت کلمه ساده درآمده‌اند. این گونه پیشوندها و پسوندها اجزای ترکیبی مرده خوانده می‌شوند؛ البته برخی از این پیشوندها و پسوندهای باستان در زبان‌های ایرانی میانه برجا مانده و بعضی اجزای تازه نیز به وجود آورده‌اند مثل «مان»، «دان»، «ستان» (خانلری ۱۳۵۴: ۳۴/۱) و البته هیچ‌گاه از کلمه بنیاد جدا نمی‌شوند.

۳. جدانوشتن ضمیر متصل (شناسه فعل) از کلمه:

به‌ت (← بهت)، دلیل‌ش (← دلیلش)، چشم‌م (← چشمم)، دست‌م (← دستم)، دلم (← دلم)، امکانات‌ش (← امکاناتش)، خوش‌ش (← خوشش)، نفس‌م (← نفسم)، راه‌ش (← راهش)، ندیدم‌ش (← ندیدمش)، به‌ش (← بهش)، جیب‌ش (← جیبش)، فتوحات‌ش (← فتوحاتش)، شام‌م (← شامم)، بزرگ‌ش (← بزرگش)، هم‌ند (← همنند)، مبهوت‌یم (← مبهوتیم)، برای‌م (← برایم)، ترس‌م (← ترسم)، ترسم‌ش (← اسمش)، تاریخ‌ش (← تاریخش)، بی‌سهم‌ش (← بیسهمش)، دوستان‌م (← دوستانم)، قیمت‌ش

منابع

- امیرخانی، رضا، ۱۳۹۱، جانستان، کابلستان، تهران، افق.
- ادیب سلطانی، میر شمس‌الدین، ۱۳۷۱، درآمدی بر چگونگی شیوه خط فارسی، تهران، امیرکبیر.
- بهمنیار، احمد، ۱۳۷۰، «املائی فارسی»، مقدمه لغت‌نامه دهخدا، تهران، موسسه لغت‌نامه.
- سمیعی (گیلانی) احمد، ۱۳۸۲، نگارش و ویرایش، تهران، سمت.
- فرشیدورد، خسرو، ۱۳۷۵، املا، نشانه‌گذاری، ویرایش، تهران، صفی‌علی‌شاه.
- فرشیدورد، خسرو، ۱۳۸۰، لغت‌سازی و وضع اصطلاحات علمی و فنی، تهران، پژوهشگاه فرهنگ و هنر اسلامی.
- دستور خط فارسی، مصوب فرهنگستان زبان و ادب فارسی، تهران، آثار، ۱۳۸۹، ش.
- مقربى، مصطفی، ۱۳۷۵، هژده گفتار (مجموعه مقالات)، تهران، توس.
- ناتل خانلری، پرویز، ۱۳۵۴، تاریخ زبان فارسی، تهران، بنیاد فرهنگ ایران.
- مقربى، مصطفی، هژده گفتار (مجموعه مقالات)، تهران، توس، ۱۳۷۵ ش.
- مقربى، مصطفی، «شیوه خط فارسی»، سخن، ش ۷، ۸، ۹، ۱۰، ۱۱، دوره یازدهم، ۱۳۳۹ ش.
- ناتل خانلری، پرویز، تاریخ زبان فارسی، انتشارات بنیاد فرهنگ ایران، چاپ ششم، ۱۳۵۴ ش.
- نیساری، سلیم، ۱۳۷۴، دستور خط فارسی، تهران، سازمان چاپ و انتشارات وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی.

خبر مهم

کتاب‌های میراث مکتوب را روی وب سایت «طاقچه» مطالعه فرمایید

بر اساس قرارداد همکاری میان مرکز پژوهشی میراث مکتوب و شرکت خدمات هوشمند حصین همراه پردیس، نسخه الکترونیک کتاب‌های این مرکز با قیمت بین ۱۰ تا ۵۰ درصد پشت جلد کتاب بر روی فروشگاه الکترونیک طاقچه به نشانی www.taaghche.ir قابل دریافت است.

«طاقچه» فروشگاه نسخه الکترونیک کتاب‌ها، مجلات و روزنامه‌های فارسی است که امکان مطالعه آن‌ها را بر روی تلفن‌های هوشمند و تبلت‌های اندروید و iOS فراهم می‌کند.

برای سهولت دسترسی به کتاب‌های میراث مکتوب می‌توانید به روش زیر عمل کنید:

برنامه Qr code reader یا Qr code scanner را روی گوشی تلفن همراه خود نصب نمایید. پس از نصب برنامه، گوشی را روبه‌روی تصویر مقابل نگه دارید تا تصویر را اسکن کند. به این صورت می‌توانید وارد صفحه مرکز پژوهشی میراث مکتوب در وب سایت طاقچه شوید و نسخه اندرویدی کتاب‌های مرکز را خریداری و مطالعه نمایید.

